

مقایسه تمایلات پرخاشگری ورزشی دختران و پسران نوجوان بسکتبالیست

لیلا ضامنی^۱، احمد فرخی^۲، سیده زلیخا هاشمی چاشمی^۳

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

۲- عضو هیات علمی دانشگاه تهران

۳- عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۷/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۴

چکیده

هدف تحقیق: هر چند نتایج تحقیقات روان‌شناسی عمومی حاکی از آن است که مردان نوعاً پرخاشگرتر از زنان هستند، اما این مساله در حیطه ورزش هم چنان مبهم است. به همین منظور تحقیق حاضر با هدف بررسی مقایسه تمایلات پرخاشگری ورزشی دختران و پسران نوجوان بسکتبالیست صورت گرفت. **روش تحقیق:** ۱۲۳ ورزشکار (۶۵ پسر و ۵۸ دختر) ۱۳-۱۹ ساله (۳/۴۶±۱۶ سال) دسته اول باشگاه‌های شهر تهران به روش تصادفی انتخاب شدند. ورزشکاران در فواصل استراحت تمرین تیم به ترتیب به تکمیل پرسشنامه سه بخشی پرداختند که شامل پرسشنامه‌های جمعیت‌شناختی، JAMBYSQ (پرسشنامه قضاوت در مورد رفتار اخلاقی در ورزش نوجوانان، که اطلاعاتی در مورد میزان قدرت معیارهای تیمی و میزان احتمال به پرخاشگری خود توصیف شده را ارائه می‌دهد و TNQ (پرسشنامه معیار تیمی که اطلاعاتی در مورد معیارهای هم تیمی‌ها برای تقلب و پرخاشگری ارائه می‌دهد) بود. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کای دو و همبستگی پیرسون در سطح معناداری ۵ درصد استفاده شد. روایی محتوا و پایایی (آزمون - آزمون مجدد) دو پرسشنامه بررسی شد و مشخص شد که هر دو پرسشنامه روا و پایا هستند. **یافته‌ها:** نتایج کسب شده حاکی از آن است که اغلب بازیکنان مرد اظهار داشتند که تقلب می‌کنند تا یک مسابقه مهم را از دست ندهند. به علاوه بازیکنان مرد تمایل بیشتری به پرخاشگری نسبت به بازیکنان زن نشان دادند. **بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج با تکیه بر نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و نظریه ساختاری تکامل اخلاقی کوهلیبرگ به دست آمد. مجموع یافته‌ها ضمن جانبداری از این نظریه‌ها، به این واقعیت اشاره دارد که تمایل به پرخاشگری بیشتر در مردان نسبت به زنان، احتمال دارد ناشی از انتظارات متفاوت جامعه از دو جنس باشد.

کلمات کلیدی: پرخاشگری ورزشی، جنسیت، نوجوانان بسکتبالیست

The comparison of athletic aggressive tendencies in youth basketball players

Abstract

Purpose: The general psychological literature suggests that males are typically more aggressive than females. In the sport domain, however, results concerning the existence of gender differences in judgment about moral behavior have been equivocal. Based on problem, this study was to compare athletic aggressive tendencies in youth basketball girls and boys. **Methods:** 123 athletes (65 male & 58 female) who were member of different teams in a youth basketball league of Tehran, aged 13-19 years ($M=16.46 \pm 2.3$), were selected and subjected in a random manner. These athletes completed in order three - section questionnaire in the rest time which including demographic, JAMBYSQ (judgment about Moral Behavior in youth Questionnaire), information about how strong the team norms and how athletes' self - described likelihood to aggress has been collected, and TNQ (Team Norm Questionnaire), information about teammates and coach norms for violate a rule and aggressive. All data were analyzed by chi square and Pearson correlation ($p<0.05$). Internal consistency of the JAMBYSQ scenarios was established. Also, assessing reliability of both TNQ and JAMBYSQ Questionnaires were determined that those are reliable.

Results: The results indicate that male players have more aggressive Tendencies than female players. In particular, male players perceived that most players would cheat rather than lose an important game more than the female players. **Conclusion:** The results obtained based on social learning theory and structural developmental theory. Gender differences in aggression have frequently been reported, such that males show more aggression than females that it can to result of different society expects for males and females.

Key Words: Sport Aggression, Gender, Basketball Players.

* آدرس نویسنده مسئول: لیلا ضامنی

آدرس: مازندران - ساری - خیابان فرهنگ - سازمان آموزش و پرورش استان - دبیرخانه تلفن: ۰۱۵۱۲۱۳۲۸۸۹ و ۰۹۱۱۲۵۳۰۰۵۳

Email: l_zameni@yahoo.com

مقدمه

ظاهراً دیدگاه‌های مربوط به پرخاشگری در ورزش، دیدگاه‌هایی دو سویه است. از یک سو، پرخاشگری نه تنها جایز شمرده می‌شود، بلکه مورد تشویق قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، دادگاه‌های متعددی به خاطر تخلف از قوانین تشکیل می‌گردد. یکی از دلایل این دوسویه‌گرایی آن است که تفسیر ما از پرخاشگری در موقعیت‌های مختلف بسیار متفاوت است (۱). بدین جهت محققین تلاش نمودند که تعریف واضح‌تری در مورد پرخاشگری ارائه دهند که در یک نگاه کلی پرخاشگری را اینگونه تعریف می‌کنند: "هر نوع رفتاری که به قصد آسیب رساندن عمدی به شخص دیگر انجام شود که این آسیب ممکن است روانی یا فیزیکی باشد (۲، ۳).

این تعریف چند نکته کلیدی را در برمی‌گیرد. نخست اینکه، پرخاشگری یک رفتار است و یک نگرش، احساس یا انگیزه نیست. دوم، پرخاشگری رفتاری «جهت‌دار یا عمدی» است. سوم، پرخاشگری شامل «آسیب یا صدمه» می‌شود که می‌تواند جسمانی یا روان‌شناختی باشد. ملاک چهارم آن است که پرخاشگری «موجودات زنده» را در برمی‌گیرد. در حالیکه تعریف فوق ممکن است در اکثر موقعیت‌ها تعریف رسایی برای پرخاشگری باشد، اما پیچیدگی مسائل ایجاد شده در ورزش این پرسش را به وجود می‌آورد که آیا رفتارهای مطابق با قوانین ورزشی که موجب صدمه دیدن شخص دیگر می‌شود، رفتار پرخاشگرانه تلقی می‌شوند؟ برای تمایز رفتارهای مجاز و غیرمجاز در میادین ورزشی، باژن (۱۹۷۷) دو نوع پرخاشگری وسیله‌ای و پرخاشگری خصمانه را از هم جدا می‌سازد (۱). پرخاشگری خصمانه یا بازتابی، با هدف ایجاد آسیب فیزیکی یا روانی به عنوان یک هدف و نه یک ابزار انجام می‌شود. به تعبیر لئونارد، این نوع پرخاشگری دارای مولفه‌ای اساساً احساسی بوده و هدف از آن آسیب‌رسانی است. پرخاشگری ابزاری شامل ایراد ضرب و جرح و وارد ساختن درد و رنج به دیگری/دیگران به عنوان ابزاری برای دستیابی به یک هدف است که شکل محسوس آن می‌تواند دستیابی به اهداف گوناگونی مانند پاداش مادی، پیروزی و افتخار یا تحسین باشد. این نوع پرخاشگری متضمن خشونت‌ی غیراحساسی و معطوف به انجام وظیفه

است (۴، ۱). به این ترتیب، پرخاشگری ورزشی را می‌توان به عنوان رفتاری تعریف کرد که خارج از قواعد و هنجارهای ورزشی رخ می‌دهد، سبب آسیب عمدی می‌گردد و ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد (۴).

از طرفی جامعه انتظار دارد که زنان و مردان نقش‌ها و رفتارهای مختلف جنسی را که ایجاد می‌شود، پذیرفته، باور داشته و آن را انجام دهند که به صورت کلیشه‌ای، از مردان انتظار می‌رود که قوی، مستقل و ورزشکار باشند، اما از زنان انتظار می‌رود تا آرام و مطیع باشند (۵، ۶). انتظار متفاوت جامعه از دو جنس، محققان را بر آن داشته که رفتارهای جنسیتی را در موقعیت‌های مختلف از جمله در میادین ورزشی مورد بررسی قرار دهند تا بتوانند به سوالات مطرح شده در این زمینه پاسخ گو باشند. این تحقیق نیز قرار است پاسخگوی این سوال باشد که آیا بین میزان پرخاشگری دختران و پسران ورزشکار اختلافی وجود دارد یا نه؟

هرچند روان‌شناسی عمومی بیان می‌کند که مردان نوعاً پرخاشگرتر از زنان هستند، اما شواهد و نتایج مربوط به وجود اختلافات جنسیتی در رفتارهای پرخاشگرانه مبهم و دو پهلو می‌باشند (۷). از یک سو، بردمایر و شایلدز (۱۹۸۴) دریافتند که هیچ‌گونه اختلاف مهمی در میزان خطاهای مردان و زنان بسکتبالیست وجود ندارد (۲). گویی ورنه و دودا (۲۰۰۲) نیز در تحقیقی که بر روی فوتبالیست‌های جوان انجام دادند، تفاوتی در تمایلات پرخاشگرانه آنان مشاهده نکردند (۷). توکر و پارکز (۲۰۰۱)، از تحقیقشان به این نتایج دست یافتند که در ورزش‌های غیربرخوردی، انتظارات نقش جنسیت می‌تواند تاثیر بارزی بر میزان پرخاشگری زنان و مردان داشته باشد، به عبارتی مردان پرخاشگرتر از زنان هستند؛ ولی در ورزش‌های برخوردی از جمله بسکتبال، معیارهای درونی آن ورزش می‌تواند نقش تقویت‌کننده‌ی تمایلات پرخاشگرانه ورزشکاران را داشته باشد، یعنی در ورزش‌های برخوردی تمایلات زنان و مردان در پرخاشگری با هم تفاوتی ندارد (۸). واعظ موسوی و همکاران (۱۳۸۳) نیز به این نتایج دست یافتند که هم دختران و هم پسران هنگام باخت و برد به ترتیب نسبت به هنگامی که امتیازات مساوی بود، پرخاشگری ابزاری بیشتری انجام دادند (۹).

از سوی دیگر، برخی مطالعات به نتایج متفاوتی دست پیدا کردند. بردمایر (۱۹۸۵) گزارش کرد که اختلاف جنسیتی در مشروعیت پرخاشگری در بازیکنان بسکتبال وجود دارد که مردان به طور معنادارتری تعداد بیشتری از اعمال پرخاشگرانه را نسبت به زنان تأیید و تصدیق می کنند (۱۰). رایان و همکاران (۲۰۰۵) به این نتیجه دست یافتند که معیارهای تیم در رابطه با مشروعیت رفتارهای پرخاشگرانه ممکن است بر نگرش بازیکنان جدید اثرگذار باشد که البته این مشروعیت رفتارهای پرخاشگرانه در مردان بیشتر از زنان است (۱۱). مشاهدات مکسل (۲۰۰۹)، مکسل (۲۰۰۴) و بارتن و همکاران (۲۰۰۷) نیز نشانگر وجود اختلافات جنسیتی در رفتارهای پرخاشگرانه و بروز پرخاشگری بود (۵، ۶، ۱۲). با علم به متناقض بودن نتایج تحقیقات مختلف در زمینه میزان پرخاشگری در زنان مردان در جوامع مختلف که می تواند ناشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی مختلف باشد با توجه به افزایش روزافزون میزان پرخاشگری در میادین ورزشی انجام تحقیقاتی در این زمینه ضروری می باشد. بعلاوه ممکن است عوامل چندی از جمله خصوصیات متفاوت شرکت کنندگان از قبیل سطح مهارت، جنسیت، سن و نوع فعالیت ورزشی و ... بر نتایج کسب شده تأثیر معناداری گذاشته باشد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف مقایسه تمایلات پرخاشگری ورزشی دختران و پسران نوجوان ورزشکار در موقعیت های مختلف از جمله در زمان شکست در مسابقه و در یک بازی مهم اجرا شد. چرا که دانستن و شناخت تفاوت های پرخاشگری در دو جنس در اقدامات مربوط به کنترل پرخاشگری در میادین ورزشی حائز اهمیت می باشد و می تواند راهنمایی برای تعیین راهکارهای مناسب در جلوگیری از موقعیت های پرخاشگرانه باشد.

روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق، این تحقیق از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری، ۴۳۷ نفر از ورزشکاران نوجوان بسکتبالیست ۱۹ - ۱۳ ساله بودند که در باشگاه‌های دسته اول شهر تهران عضویت داشتند. از این جامعه آماری، ۱۲۳ ورزشکار نوجوان (۳/۲۶±۱۶ سال) به روش تصادفی انتخاب شدند (۶۵ ورزشکار پسر و ۵۸

ورزشکار دختر). ابزار تحقیق، پرسش‌نامه سه بخشی شامل پرسش‌نامه جمعیت‌شناختی (که شامل اطلاعات مربوط به سن، جنس، سال‌های فعالیت در ورزش، مدت فعالیت در بسکتبال)، پرسشنامه TNQ^۱ (پرسشنامه معیارهای تیمی) و پرسشنامه JAMBYSQ^۲ (پرسشنامه قضاوت در مورد رفتار اخلاقی در ورزش نوجوانان) بود (۷، ۱۳). ورزشکاران در فواصل استراحت تمرین تیم به ترتیب به تکمیل پرسش‌نامه سه بخشی پرداختند. پرسشنامه JAMBYSQ برای ارزیابی رفتار اخلاقی ورزشکاران در رشته بسکتبال استفاده می‌شود. این پرسش‌نامه شامل سه سناریو است که در هر سناریو شش سؤال مطرح می‌شود. در سناریوی اول (سناریوی دروغ گفتن به داور)، شرایطی ترسیم و تشریح می‌شود که بازیکن باید تصمیم بگیرد به داور دروغ بگوید (تا از یک موقعیت مطلوب، اما غیرمنصفانه استفاده کند) یا این که واقعیت را بیان کند. در سناریوی دوم (سناریوی آسیب زدن به حریف)، شرایطی ترسیم و تشریح می‌شود که بازیکن باید تصمیم بگیرد به حریف آسیب بزند یا نه (رفتاری که از لحاظ راهبردی مطلوب، اما غیرمنصفانه است) و در سناریوی سوم (سناریوی تقلب کردن)، شرایطی ترسیم و تشریح می‌شود که بازیکن باید تصمیم بگیرد قوانین را نادیده بگیرد یا نه؟ از دو سؤال در هر سناریو، برای این تحقیق استفاده شد: سؤال دو (که قدرت معیارهای تیمی برای پرخاشگری را ارزیابی می‌کند) که بوسیله مقیاس پنج‌گزینه‌ای (هیچ کدام = ۱ تا همه افراد تیم = ۵) و سؤال شش (که احتمال به پرخاشگری افراد را نشان می‌دهد) که بوسیله مقیاس پنج‌گزینه‌ای (اصلاً احتمال ندارد = ۱ تا احتمال زیادی دارد = ۵) ارزیابی می‌شود. به همین دلیل ثبات درونی این پرسش‌نامه ارزیابی شد. برای این ارزیابی ارتباط بین سؤال اول (قهرمان فرضی چه باید انجام دهد) و سؤال سوم (خودش چه کاری انجام می‌دهد) در سه سناریو بررسی شد. انتظار داریم که شرکت کنندگان اختلاف این دو سؤال را درک کنند. برای مثال، ممکن است بازیکنی بیان کند که لگد زدن از پشت خطاست ولی خودش این کار را انجام دهد.

1- Team Norm Questionnaire

2- Judgment about Moral Behavior Youth Sport Questionnaire

که در سؤال دو بیان کردند که بیشتر هم تیمی هایشان خطا می کنند، سطح بالاتری از احتمال به پرخاشگری را نشان دادند. پرسشنامه TNQ (پرسشنامه معیارهای تیمی) شامل شش سؤال است که ثقل و پرخاشگری هم تیمی ها و مربی را ارزیابی می کند. مقیاس چهارگزینه ای (۳-۰) برای سؤال های ۳ و ۴ استفاده شد: (خیر=۰، احتمالاً نه=۱، احتمالاً بله=۲ و بله=۳) و برای باقی سؤال ها مقیاس شش گزینه ای (۵-۰) به کار برده شد: (اصلاً=۰، تعداد کمی=۱، برخی=۲، حدود نیمی=۳، اغلب=۴ و همه افراد=۵). برای اثبات پایایی دو پرسشنامه TNQ و JAMBYSQ از روش آزمون - آزمون مجدداً استفاده شد که اعداد به دست آمده همبستگی معناداری را بین دو سری از داده ها نشان دادند (جدول ۲).

یافته ها

جدول ۱، شامل نتایج ارزیابی ثبات درونی JAMBYSQ است که نشان می دهد که این پرسشنامه ثبات درونی دارد.

در هر سه سناریو، با توجه به فراوانی، بیشتر شرکت کنندگان بیان کردند که این عمل را خودشان انجام می دهند نسبت به اینکه قهرمان فرضی باید این کار را انجام دهد (جدول ۱). ارتباط بین سؤال های سوم و ششم نیز ارزیابی شد. هر دو سؤال به منظور ارزیابی احتمال به پرخاشگری خود توصیف شده ورزشکاران در موقعیت های مختلف به کار می روند. سؤال سه، پاسخ اولیه افراد به سناریو و سؤال شش، پاسخ افراد بعد از تصور خود در آن موقعیت است. پاسخ به سؤال شش بسیار نزدیک تر به ادراک واقعی بازیکن در آن موقعیت است. نتایج به دست آمده، همبستگی زیادی را بین این دو سؤال در هر سناریو نشان می دهد (جدول ۱). در واقع بازیکنانی که در سؤال سه بیان کردند که نباید به داور دروغ گفت، سطح پایین تری از احتمال به پرخاشگری را نشان دادند. ارتباط بین سؤال های دوم و ششم برای ارزیابی ثبات درونی بررسی شد. نتایج به دست آمده، همبستگی زیادی را بین این دو سؤال در هر سناریو نشان می دهد (جدول ۱). در واقع بازیکنانی

جدول ۱- نتایج برآورد ثبات درونی

متغیر	سناریوهای	سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوی سوم
الف-ارتباط سوال اول و سوم	$X^2=9/17$ $df=1, p<0/02$	$X^2=9/43$ $df=1, p<0/01$	$X^2=8/01$ $df=1, p<0/01$	
ب-ارتباط سوال سوم و ششم	$r=0/72, p<0/00$	$r=0/74, p<0/00$	$r=0/68, p<0/00$	
ج-ارتباط سوال دوم و ششم	$r=0/70, p<0/00$	$r=0/69, p<0/00$	$r=0/73, p<0/00$	

جدول ۲- همبستگی بین داده های به دست آمده از آزمون - آزمون مجدد

متغیر	شاخص	ضریب همبستگی (r)	ارزش P	ضریب تعیین (r ²)	نتیجه
همبستگی داده ها در سناریوی اول	۰/۸۱	۰/۰۰	۰/۶۷	معنی دار	
همبستگی داده ها در سناریوی دوم	۰/۷۶	۰/۰۰	۰/۵۸	معنی دار	
همبستگی داده ها در سناریوی سوم	۰/۷۹	۰/۰۰	۰/۶۱	معنی دار	
همبستگی داده ها در TNQ	۰/۷۸	۰/۰۰	۰/۵۸	معنی دار	

به خصوص نتایج، تفاوت معناداری را در ادراک دختران و پسران از معیارهای تیم شان برای تقلب در یک بازی مهم آشکار کرد.

بطوریکه ورزشکاران مرد درک کرده بودند که اغلب بازیکنان (یعنی حدود نیمی از افراد تیم) تقلب خواهند کرد تا بازی مهم را از دست ندهند (۵۱٪) که این میزان بیشتر از ورزشکاران زن (۱۵٪) بود (جدول ۴).

نتایج تحلیل مجذور کای برای پرخاشگری در جدول ۵ ارائه شده است که نشان می دهد جنسیت بر ادراک ورزشکاران از معیارهای تیم شان برای پرخاشگری در یک بازی مهم و یا در زمان شکست در مسابقه تاثیر معناداری دارد. بخصوص نتایج، تفاوت معناداری را در ادراک دختران و پسران بسکتبالیست از معیارهای تیم شان برای پرخاشگری در زمان شکست در مسابقه نشان داد.

جدول ۲، نتایج همبستگی داده های به دست آمده از آزمون - آزمون مجدد (با حجم نمونه ۳۲ نفر که بصورت تصادفی انتخاب شده بودند) ارائه شده که نشان می دهد هر دو پرسشنامه دارای پایایی هستند. روایی پرسشنامه ها در خارج از کشور بوسیله مقایسه آنها با پرسشنامه های معتبر توسط گوئی ورنه و دودا (۲۰۰۲) تأیید شده و در داخل کشور روایی محتوا توسط اساتید صاحب نظر دانشگاه های تهران مورد بررسی قرار گرفته و همگی بر این مساله که این پرسشنامه می سنجد آنچه را که باید بسنجد، اذعان داشتند. (نتایج فرضیه های پژوهش حداقل در سطح معناداری ۵ درصد و فاصله اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است). نتایج تحلیل مجذور کای برای تقلب در جدول ۳ ارائه شده است. همان طور که مشاهده می شود جنسیت بر ادراک ورزشکاران از معیارهای تیم شان برای تقلب در یک بازی مهم و یا در زمان شکست در مسابقه تاثیر معناداری دارد.

جدول ۳- تاثیر جنسیت بر ادراک ورزشکاران از معیارهای تیم شان برای تقلب

متغیر	شاخص آماری	ارزش (value)	درجه آزادی	ارزش P	نتیجه
الف-دریک بازی مهم، کای دو پیرسون		۱۹/۲۸	۵	۰/۰۲	معنی دار
ب-در زمان شکست در مسابقه، کای دو پیرسون		۱۲/۴۲	۵	۰/۰۲۹	معنی دار

جدول ۴- فراوانی پاسخ به سوال یک در دو جنس برای تقلب در یک بازی مهم

سوال ۱							گزینه ها	
کل	همه افراد	اکثرا	حدود نیمی	برخی	تعداد کمی	هیچ کدام	جنسیت	
۶۵	۸	۱۶	۹	۶	۱۷	۹	مردان	تعداد
۱۰۰	۱۲/۳	۲۴/۶	۱۳/۸	۹/۲	۲۶/۱	۱۳/۸	مردان	درصد
۵۸	۱	۳	۵	۱۲	۲۲	۱۵	زنان	تعداد
۱۰۰	۱/۸	۵/۲	۸/۶	۲۰/۶	۳۷/۹	۲۵/۸	زنان	درصد

جدول ۵- تاثیر جنسیت بر ادراک ورزشکاران از معیارهای تیم شان برای پرخاشگری

متغیر	شاخص آماری	ارزش (value)	درجه آزادی	ارزش P	نتیجه
الف-دریک بازی مهم، کای دو پیرسون		۱۱/۳۸	۵	۰/۰۴	معنی دار
ب-در زمان شکست در مسابقه، کای دو پیرسون		۱۳/۴۶	۵	۰/۰۱	معنی دار

بیشتری (به نسبت دختران) تمایل به انجام رفتارهای غیر اخلاقی داشتند.

بویژه پسران ورزشکار بیشتری (به نسبت دختران) درک کرده بودند که اغلب هم تیمی هایشان (یعنی از نیمی از افراد تا همه افراد تیم) در اعمال توصیف شده در گیر می شوند. (برای سناریوها با توجه به دو گزینه ی نسبتا و با احتمال زیاد مقایسه بین دو جنس صورت گرفت). هرچند فراوانی پاسخ های افراد شرکت کننده به سه سناریو، برای هر جنس به طور مجزا، تفاوت معناداری با هم نداشت.

بخصوص پسران ورزشکار بیشتری (۴۹٪) به نسبت دختران (۱۹٪) درک کرده بودند که اغلب بازیکنان (یعنی از نیمی از افراد تا همه افراد) به حریف آسیب می زنند تا در مسابقه شکست نخورند.

هم چنین نتایج مجذور کای پاسخ های ورزشکاران مرد و زن به سه سناریو در جدول ۷ ارائه شده است. یافته ها در هر سناریو حاکی از آن است که جنسیت بر ادراک ورزشکاران از معیارهای پرخاشگری قبلی تیم تاثیر معناداری دارد. در هر سه سناریو، پسران بسکتبالیست

جدول ۶- فراوانی پاسخ به سوال دو در دو جنس برای پرخاشگری در زمان شکست در مسابقه

سوال ۲							گزینه ها	
کل	همه افراد	اکثرا	حدود نیمی	برخی	تعداد کمی	هیچ کدام	جنسیت	
۶۵	۹	۱۳	۱۰	۹	۱۲	۱۲	مردان	تعداد
۱۰۰	۱۳/۹	۲۰	۱۵/۴	۱۳/۹	۱۸/۵	۱۸/۵	مردان	درصد
۵۸	۲	۲	۷	۱۶	۱۸	۱۳	زنان	تعداد
۱۰۰	۳/۵	۳/۵	۱۲/۱	۲۷/۶	۳۱	۲۲/۵	زنان	درصد

جدول ۷- تاثیر جنسیت بر ادراک ورزشکاران از معیارهای پرخاشگری قبلی تیم در سه سناریو

نتیجه	ارزش P	درجه آزادی	ارزش (value)	شاخص آماری	متغیر
معنی دار	۰/۰۱	۴	۱۳/۱۵	الف-سناریوی اول، کای دوپیرسون	
معنی دار	۰/۰۳	۴	۱۰/۱۷	ب-سناریوی دوم، کای دوپیرسون	
معنی دار	۰/۰۰	۴	۱۵/۹۷	ج-سناریوی سوم، کای دوپیرسون	

جدول ۸- فراوانی پاسخ به سوال سه برای معیارهای پرخاشگری قبلی تیم در سه سناریو

سوال ۳						گزینه ها	
کل	احتمال زیاد	نسبتا	کمی	احتمال ندارد	اصلا	جنسیت	
۶۵	۱۷	۲۳	۱۱	۹	۵	مردان	سناریوی اول
۵۸	۴	۱۱	۱۶	۱۵	۱۲	زنان	اول
۶۵	۱۹	۲۰	۱۲	۱۳	۴	مردان	سناریوی دوم
۵۸	۵	۱۳	۱۵	۱۲	۱۳	زنان	دوم
۶۵	۲۰	۱۸	۱۵	۸	۴	مردان	سناریوی سوم
۵۸	۵	۱۰	۱۳	۱۲	۱۸	زنان	سوم

بحث و نتیجه گیری

هدف از این تحقیق، مقایسه تمایلات پرخاشگری ورزشی دختران و پسران نوجوان بسکتبالیست بود. یافته های تحقیق حاکی از آن است که تمایلات پرخاشگری ورزشی و تقلب بازیکنان دختر و پسر با هم تفاوت معنی داری دارد. به عبارتی ورزشکاران پسر بیشتر تمایل نشان دادند که به حریف آسیب بزنند تا در مسابقه شکست نخورند و یا تقلب کنند تا یک بازی مهم را از دست ندهند. هم چنین جنسیت بر ادراک ورزشکاران از معیارهای پرخاشگری قبلی تیم، تاثیر معناداری دارد. بویژه پسران ورزشکار بیشتری (به نسبت دختران) درک کرده بودند که اغلب هم تیمی هایشان در اعمال توصیف شده در سناریوها درگیر می شوند.

نتایج به دست آمده با یافته های بردمایر (۱۹۸۵)، سیلوا و همکاران (۲۰۰۱)، مکسل (۲۰۰۴)، رایان و همکاران (۲۰۰۵)، مکسل و همکاران (۲۰۰۹)، بارتن و همکاران (۲۰۰۷) و الیس و همکاران (۲۰۰۰) همخوانی داشت. بردمایر (۱۹۸۵) به این نتیجه رسید که مردان نوعاً پذیرش بیشتری برای پرخاشگری به نسبت زنان دارند. مکسل (۲۰۰۴) و رایان و همکاران (۲۰۰۵) نیز نشان دادند که مردان، سطح بالاتری از پرخاشگری را به نسبت زنان نشان می دهند و تمایلات پرخاشگرانه آنها بیشتر از زنان است. مکسل و همکاران (۲۰۰۹) و بارتن و همکاران (۲۰۰۷) نیز به این نتیجه رسیدند که پرخاشگری به عنوان رفتاری مجاز و مشروع، در مردان به نسبت زنان بیشتر است. الیس و همکاران (۲۰۰۰) نیز بروز پرخاشگری را به وسیله مردان مجازتر و مشروع تر یافتند (۱۴). در حالیکه نتایج تمام تحقیقات فوق حاکی از آن بود که مردان میزان پرخاشگری بیشتری نسبت به زنان دارند، تحقیقات و بررسی های صورت گرفته ای وجود دارند که عدم مغایرت در میزان پرخاشگری زنان و مردان را نشان دادند که از جمله این تحقیقات می توان به پژوهش های گویی ورنای و دودا (۲۰۰۲)، توکر و پارکز (۲۰۰۱) و بردمایر و شایلدز (۱۹۸۴) و واعظ موسوی و همکاران (۱۳۸۳) اشاره داشت. در این تحقیقات هیچ اختلافی در میزان پرخاشگری دختران و پسران دیده نشد. تحقیق توکر و پارکز (۲۰۰۱) بر روی ورزشکاران ورزش های غیربرخوردی و برخوردی

نشان داد که اختلافات جنسیتی بارزی در ورزش های غیربرخوردی به نسبت ورزش های برخوردی وجود دارد. چرا که در ورزش های غیربرخوردی انتظارات نقش جنسیت می تواند تاثیر بارزی بر میزان پرخاشگری زنان و مردان داشته باشد، ولی در ورزش های برخوردی از جمله بسکتبال اختلاف بارزی بین زنان و مردان در بروز رفتار پرخاشگرانه مشاهده نشد. گویی ورنای نیز با بررسی میزان پرخاشگری در نوجوانان فوتبالیست به عدم تفاوت میزان پرخاشگری در دو جنس دست یافتند. هر چند به نظر می رسد که نتایج به دست آمده از تحقیقات مختلف با یکدیگر مغایرت دارند، ولی با دیدی وسیع تر نسبت به این تحقیقات در می یابیم که ممکن است عوامل چندی از جمله خصوصیات متفاوت شرکت کنندگان از قبیل سطح مهارت، جنسیت، سن و نوع فعالیت ورزشی و ... بر نتایج کسب شده تاثیر معناداری گذاشته باشد که نباید نادیده گرفته شوند. در تحقیق حاضر که بر روی نوجوانان بسکتبالیست ماهر صورت پذیرفت، پسران تمایل بیشتری به پرخاشگری نسبت به دختران نشان دادند (۱۵). نتایج کسب شده با تکیه بر نظریه هایی همچون "نظریه یادگیری اجتماعی باندورا" و "نظریه ساختاری تکامل اخلاقی کوهلبرگ" به دست آمده اند. پیرو اصل تئوری یادگیری اجتماعی، این پیشنهاد قابل قبول است که ورزشکاران ممکن است رفتارهای ورزشی پرخاشگرانه را از طریق هم تیمی ها یاد بگیرند. مبنای نظریه یادگیری اجتماعی باندورا، بر این اساس استوار است که پرخاشگری، رفتار و کنشی اجتماعی است که از طریق فرایندهای اجتماعی تولید، بازتولید و فراگرفته می شود. باندورا برخلاف سایر رفتارگرایان، تاکید ویژه ای بر نقش یادگیری مشاهده ای در آشنایی با رفتار دارد. این نظریه مدعی است که رفتارهای پرخاشگرانه از طریق الگوسازی آموخته می شوند و مکانیسم پاداش و تنبیه در مورد این گونه رفتارها تاثیر زیادی در یادگیری، به ویژه در نوجوانان و جوانان دارد. در واقع مهم ترین جنبه نظریه باندورا، یادگیری رفتارها از طریق مشاهده است. در این نظریه پرخاشگری به عنوان رفتاری در نظر گرفته می شود که براساس پاداش ها و تنبیه ها شناخته و آموخته می شوند. به نظر باندورا، پاداشی که به رفتارهای پرخاشگرانه داده می شود، احتمال

داشت که رشد اخلاقیات به خودی خود صورت نمی گیرد، بلکه به زمینه های اجتماعی نیازمند است که در آن مسائل و مشکلات اخلاقی بتوانند مطرح، مورد استفاده و بازسازی شوند. فعالیت های بدنی، بازی ها و ورزش، زمینه های مطلوبی هستند که در آنها همه سطوح رفتار اخلاقی می توانند توسعه داده شوند و رشد حقیقی اخلاقی صورت گیرد (۱۷). طبق این نظریه، نوجوانان دیگر مدارند و در پی کسب تائید و خشنودی تیم و افراد تیم خود هستند. در نتیجه دختران و پسران ورزشکار سطحی از رفتار پرخاشگرانه را نشان می دهند که مورد تائید سایر اعضای تیم و گروه باشد. محققان معتقدند که در ورزش های تیمی، ورزشکارانی که به شدت با تیم خود همانندسازی می کنند، بیشتر به اعمال و رفتار پرخاشگرانه با حریف متمایل می شوند. تحقیقات نشان داده که زنان تمایل به استفاده از سطوح بالاتری از استدلال اخلاقی نسبت به مردان در زمینه های ورزشی دارند، که با رشد بیشتر استدلال اخلاقی در شخص، استدلال و تمایل او برای پرداختن به رفتارهای پرخاشگرانه کمتر می شود. مجموع یافته ها ضمن جانبداری از این نظریه ها، به این واقعیت اشاره دارد که تمایل به پرخاشگری بیشتر در مردان نسبت به زنان، می تواند ناشی از انتظارات متفاوت جامعه از دو جنس باشد. علاوه بر موارد مطرح شده، در فضاهای غیر ورزشی عوامل موقعیتی همچون محیط فیزیکی، ازدحام جمعیت و سر و صدا باعث افزایش پرخاشگری می شود، اما در مورد تاثیر آنها در محیط های ورزشی تحقیق چندانی صورت نگرفته که خلا این گونه تحقیقات احساس می شود. در پایان با توجه به اینکه برخی بررسی ها بر این مساله تاکید دارند که مردان و زنان در بروز رفتارهای پرخاشگرانه با یکدیگر متفاوتند این سؤال در ذهن شکل می گیرد که آیا نوع بروز رفتارهای پرخاشگرانه زنان و مردان در محیط های ورزشی نیز متفاوت است؟ مطمئناً پاسخ به این سؤال مستلزم تحقیقات بیشتری می باشد که با یافتن پاسخ این سؤال، خیلی از ابهامات گذشته رفع می شود.

پرخاشگری را در رفتارهای بعدی افزایش می دهد. به این ترتیب براساس نظریه یادگیری اجتماعی، پرخاشگری رفتاری آموختنی است و در عرصه فعالیت های ورزشی پرخاشگری از طریق مشاهده و پاداش، تقویت می شود. از طرفی چون جامعه باورهای کلیشه ای نسبت به نقش و رفتارهای مختلف جنسیتی در زنان و مردان دارد. مردان و زنان ورزشکار تحت تاثیر انتظارات نقش جنسیتی که در بخش وسیعی از جامعه ترویج داده شده است قرار می گیرند. اختلافات جنسیتی مشاهده شده، نشانگر این است که زنان و مردان تحت تاثیر معیارهای تیم و جامعه هستند که رفتارهای پرخاشگرانه برای مردان تا حدی مشروع و مجاز و برای زنان قبیح و غیرمجاز شمرده می شود. به عبارتی مردان بیشتر تحت تاثیر انتظارات مربوط به نقش های جنسیتی خود هستند، در حالیکه زنان از هنجارهای ورزشی خود تاثیر می گیرند (۱۶). از طرفی در دهه های اخیر، از نظریه های سازنده اجتماعی نیز به عنوان چارچوبی برای درک فرایندهای روان شناسی از جمله پرخاشگری ورزشی استفاده شده است. به ویژه نظریه ساختاری تکامل اخلاقی کوهلبرگ پایه هایی را برای اغلب تحقیقات اخیر در پرخاشگری فراهم کرده است. بر اساس این نظریه، استدلال اخلاقی سطوح مختلفی از تکامل را طی می کند و در بالاترین سطح، رفتار اخلاقی را نشان می دهد. کوهلبرگ یک مدل سلسله مراتبی سه گانه از رشد اخلاقیات را پیشنهاد کرد که نمونه خوبی از چگونگی وقوع استدلال اخلاقی از دیدگاه رشدی است. اولین مرتبه به عنوان اخلاق پیش متعارف شناخته شده است. مرتبه پیش متعارف ویژگی دوران پیش دبستانی و کلاس اول است. در این سطح کودک خودمدار بوده و به زور پاسخ می دهد. در مرتبه بعدی یعنی اخلاق متعارف، فرد تمایل واقعی برای به دست آوردن تائید و خشنود کردن دیگران دارد. عمل در سطح متعارف، شاخص دوره کودکی و نوجوانی است. در حقیقت برخی محققین معتقدند که بیشتر مردم فراتر از این مرحله نمی روند. در مرتبه اخلاق فرا متعارف، شخص بیشتر درون مدار است تا دیگر مدار. در بالاترین مرتبه اخلاقی بر طبق گفته های کوهلبرگ، فرد صحیح و غلط را در یک چارچوب منطقی پایدار و جهانی تعیین می کند که مرتبه و ارزش همه انواع بشر شناخته می شود. باید توجه

منابع

- 12- Maxwell JP, Visek A.J, and Moorese .E (2009), Anger and perceived legitimacy of aggression in male Hong Kong Chinese athletes: Effect of type of sport and level of competition, *Psychology of Sport and Exercise*, v.10, p (289-296).
- 13- Suris L (2004), Measures of aggressive behavior, *Aggression and Violent Behavior*, 9, p (165-277).
- 14- Ellis SR, Janelle C (2000), Legitimacy Judgments of perceived aggression and assertion by contact and non contact sport participant, *RQES*, A-88.
- 15- Berkowitz L (1986), A survey of Social Psychology, CBS college publishing.
- 16- Geen RG (1998), Aggression and antisocial behavior, in: D.T.Gilbert, S.T.Fiske & G.Lindzey(Ed), *The Handbook of Social Psychology*, vol II, P317-356(Boston, McGraw Hill).
- 17- Gallahue DL, Ozmun JC (2002), *Understanding Motor Development (infant, children, adolescents, adults)*, McGraw Hill, p (351-353).
- 1- Jarvis M (2004), *Sport Psychology*, London. Rout ledge publication.
- 2- Bredemeire B, Shields D (1984), Divergence in moral reasoning about sport and every life. *Sociology Sport Journal*, p (348-357).
- 3- Stephens D (2001), predictors of aggressive tendencies in girls' basketball, *RQES*, P (257-266).
- ۴- رحمتی، م.، محسنی تبریزی، ع (۱۳۸۲)، بررسی عوامل‌های جامعه شناختی خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال. فصلنامه المپیک. شماره ۳ و ۴. صفحات ۷۷-۹۱.
- 5- Burton L, Hafetzi J & Henninger D (2007), Gender differences in Relational and Physical Aggression. *Social Behavior and Personality*, 35(1), p (41-50).
- 6- Maxwell JP (2004), Anger rumination, *Psychology of Sport and Exercise*, 5, p (279-289).
- 7- Guivernau M, Duda L.J (2002), Moral atmosphere and athletic aggressive tendencies in young soccer players, *Journal of Moral Education*, vol.31, no.1.
- 8- Tucker L, parks JB (2001), Effect of gender and sport type on intercollegiate athletes' perception of the legitimacy of aggressive behavior in sport, *Sociology of Sport Journal* .18, p (403-413).
- ۹- واعظ موسوی، م.، شجاعی، م (۱۳۸۳)، فراوانی رفتار پرخاشگرانه و جرات‌مندانه در موقعیت‌های برد، باخت و مساوی. فصلنامه المپیک. شماره ۱. صفحات ۱۱۷-۱۲۶.
- 10- Bredemeire .B (1985), Moral reasoning and the perceived legitimacy of intentionally injurious acts, *Journal of Sport Psychology*, 7, p (110-124).
- 11- Ryan.KM, Mohr Sh (2005), Gender differences in playful Aggression averring courtship in college student, *Journal Sex Roles*. 53. N (7-8), p (591-601).

